

سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی

بهزاد ملکی حسنوند^۱، *محمد جعفری^۲، شهرام فتاحی^۳، هادی غفاری^۴

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۳. دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۴. دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه پیام نور، ایران

(دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۳)

Mechanism of Effectiveness of Good Governance and Government Spending on Economic Growth

Behzad Maleki Hassanvand¹, *Mohammad Jafari², Shahram Fatahi³, Hadi Ghaffari⁴

1. Ph.D. Student, Faculty of Economics, Lorestan University, Khorramabad, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Economics, Lorestan University, Khorramabad, Iran

3. Associate Professor, Faculty of Economics, Razi University, Kermanshah, Iran

4. Associate Professor, Faculty of Economics, Payame Noor University, Iran

(Received: 4/Sep/2018

Accepted: 4/Nov/2018)

Abstract:

The aim of this paper is examining the simultaneous impact of good governance and government spending on economic growth in MENA countries. To estimate model, we've used GMM method during 2002-2016. The results show that good governance (weighted average of six indexes) and government spending have positive and significant effect on economic growth. GDP last period and trade openness variable have positive and significant effect on economic growth. Inflation variable has negative and significant effect and private investment variable has positive and insignificant effect on economic growth. The effect of both economic growth and government spending is positive and significant. Good governance index resulted from combination of existing six indexes by Principle Components Model, has been estimated in another model and it indicates positive relationship with more effect on economic growth.

Keywords: Good Governance, Government Spending, Institutions, Economic Growth, MENA Countries, GMM.

JEL: H50, C33, O41.

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا است. برای تخمین الگو از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۶ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار و همچنین تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است. شاخص حکمرانی خوب که از ترکیب شش شاخص موجود به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به‌دست آمده است، در یک الگوی دیگر تخمین زده شده است که نشان دهنده رابطه مثبت با تأثیر بیشتر بر رشد اقتصادی است.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی خوب، مخارج دولتی، نهادها، رشد اقتصادی، کشورهای حوزه منا، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته.
طبقه‌بندی JEL: H50, C33, O41.

۱- مقدمه

از زمانی که بررسی ویژگی‌های رشد و توسعه مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است، رشد تولید ناخالص ملی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه مورد قبول اکثر محققان حوزه اقتصاد بوده است. در مکتب‌های کلاسیک، نئوکلاسیک و مکتب‌های جدید مانند کینزی‌ها و شیکاگو که رشد درون‌زا مورد توجه قرار گرفته است، عوامل مختلفی شامل نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی، کیفیت و اندازه دولت، شاخص‌های نهادی و ... بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

مخارج دولتی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در مقالات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است، در صورتی که این ارتباط در نظریه‌های اقتصادی به‌صورت مشخصی قابل ارائه نیست. در دهه‌های اخیر آثار مختلفی از تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی را می‌توان دید؛ به این علت که اندازه مخارج دولتی اگر از حدی فراتر رود موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد ولی از طرفی دخالت دولت برای رشد و توسعه لازم است و نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. در کشورهای مختلف، میزان و اندازه دخالت دولت در اقتصاد با توجه به نوع حاکمیتشان متفاوت است (آسیماکوپولوس و کارویاس^۱، ۲۰۱۵: ۲). میزان مخارج دولتی و کیفیت آن با توجه به شاخص‌های نهادی، بیشتر، به این سؤال پاسخ می‌دهد که دخالت دولت و نقش تصدی‌گری آن به چه صورت می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد. نقش دولت در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد و توزیع عادلانه درآمد بسیار مهم است ولی از طرفی با توزیع ناکارآمد منابع می‌تواند موجب اختلال در سیستم بازار شود. دولت با ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای حکمرانی خوب می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته باشد. امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه یافته و دیگر کشورها وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به‌صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیره‌های متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند. از جمله شاخص‌های مناسب برای نشان دادن نهادها، به دلیل پوشش دادن بسیاری از موضوعات و همچنین در دسترس بودن داده‌های مورد نیاز برای بسیاری از کشورها در بازه

زمانی طولانی، شاخص حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب از راه‌هایی مانند حمایت از حقوق مالکیت، سیستم قضایی و حمایت از قراردادهای، می‌تواند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه مشوق توسعه باشد. مفهوم حکمرانی خوب توسط بانک جهانی مطرح گردیده است و بر اساس مشارکت جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت دارای ابعاد مختلفی است.

طبق سیاست‌های پیشنهادی بانک جهانی برای بهبود حکمرانی در کشورهای خاورمیانه و تحقیقات صورت گرفته توسط اسدی و همکاران (۱۳۹۶)، شاکری و همکاران (۱۳۹۴)، ریاتی^۲ (۲۰۱۶) و گزارش بنیاد هریتیج (۲۰۱۷) کشورهای حوزه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) علیرغم منابع انسانی و طبیعی فراوان منطقه، به دلیل محاصره و چرخه‌هایی از خشونت، حملات تروریستی و جریان پناهندگان دارای نرخ بیکاری بالا، تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد اقتصادی پایین می‌باشند. از اوایل سال ۲۰۱۱، بسیاری از کشورهای منطقه شاهد تحولات اجتماعی-اقتصادی و درگیری‌های آشکار بودند. در منطقه منا هیچ کشوری در دسته اقتصادهای «آزاد» قرار ندارد (میلر و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۵). وضعیت نامناسب سطح توسعه‌یافتگی و نهادی در این کشورها و ضرورت بهبود این متغیرها برای ارتقاء جایگاه بین‌المللی کشورهای مورد مطالعه دلیل انتخاب این منطقه می‌باشد. با توجه به اینکه در مورد نقش دولت و اثر آن بر رشد اقتصادی در تحقیقات مختلف نمی‌توان به یک نتیجه‌گیری واحد رسید، لذا در این تحقیق ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا تأثیر هم‌زمان مخارج دولت و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا مثبت است؟ آیا تأثیر رشد اقتصادی بر مخارج دولتی مثبت است؟ که در ادامه این سؤالات بررسی می‌شود. این تحقیق شامل بخش‌های مبانی نظری، روش تحقیق، مدل و روش تخمین، تجزیه و تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری نهایی می‌باشد.

۲- ادبیات موضوع

رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص ملی) به‌عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه در کشورهای جهان مقبولیت عام دارد. امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه یافته و دیگر کشورها وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به‌صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است

2. Riayati (2016)
3. Miller et al. (2017)

1. Asimakopoulos & Karavias (2015)

انستیتو تکنولوژی توکیو نیز حکمرانی را به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌کند که به‌وسیله آنها، جامعه به‌طور رسمی و غیررسمی به اداره فرآیند توسعه و دفع تعارضات می‌پردازد. حکمرانی مستلزم نوعی از حکومت جامعه مدنی می‌شود که در تمام سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا می‌یابد (همان). حکمرانی خوب از راه‌هایی مانند حمایت از حقوق مالکیت، سیستم قضایی و حمایت از قراردادهای، می‌تواند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه مشوق توسعه باشد. آماده‌سازی نهادهای موفق، تحت عنوان حکمرانی خوب، محیط و نهادهای کارآمدی را ایجاد می‌کند که با تنظیم روابط اقتصادی افراد به‌صورت کم‌هزینه و دارای بازدهی موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰: ۲):

الف: شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی^۶

ب: شاخص ثبات سیاسی^۷

ج: شاخص کارایی و اثربخشی دولت^۸

د: شاخص کیفیت قوانین و مقررات^۹

ه: شاخص حاکمیت قانون^{۱۰}

و: شاخص کنترل فساد^{۱۱}

۱- حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی: درک و توانایی شهروندان کشور برای انتخاب دولت، آزادی بیان و احزاب، رسانه‌ها و انجمن‌ها در این مؤلفه خلاصه می‌شود (گوئد و نوورث، ۲۰۱۴: ۵۴۵).

۲- ثبات سیاسی: در الگوی حکمرانی خوب، دولت‌ها باید ثبات سیاسی را در چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی مستقر سازند، ثبات، امنیت و عدالت را در جامعه فراهم کنند و در چنین شرایطی با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی خوب تغییر دهند (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵).

۳- اثربخشی دولت: منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است. کیفیت خدمات کشوری و تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و تعهد دولت در این

که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند (رودیک و همکاران^۱، ۲۰۰۲: ۱) و عجم‌اغلو و همکاران^۲، ۲۰۱۳: ۳).

تئوری حکمرانی خوب با روش‌ها و ساختارهای حکمرانی در کشورهای در حال توسعه مرتبط است و از طریق دسته‌ای از اصول و سیاست‌هایی که ابتدا توسط بانک جهانی در خصوص کشورهای در حال توسعه معرفی شدند، گسترش پیدا می‌کند. این‌گونه مشخص شده است که شکل مدرن حکومت علاوه بر کارایی، درباره مسئولیت‌پذیری حکومت و شهروندان است (اکادیو^۳، ۲۰۱۷: ۱۵۴). حکمرانی خوب بیان می‌کند که چگونه مردم یک کشور صرفاً مشتری یا مصرف‌کننده نباشند، بلکه یک شهروندی باشند که حق این را داشته باشد که حکومت خود را مسئول اقداماتی که انجام می‌دهد یا در آن شکست می‌خورد، بداند. تقاضا برای کارآمدی در بخش عمومی نباید منجر به خدمات بد شود. اگر خدمات مناسب نباشد شهروندان حق اعتراض و مسئول دانستن سیاست‌مداران را دارند (اسدالزمان و ویرتانن^۴، ۲۰۱۶: ۳). حکمرانی خوب شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و اصول می‌باشد. تئوری حکمرانی خوب راه‌کار جدیدی است که بعد از ناکارآمدی روش‌های پیشین توسعه، از سوی کشورهای توسعه یافته و مجامع بین‌المللی ارائه گردیده است. در این الگو دولت باید زمینه را برای ثبات، امنیت، کاهش نقش تصدی‌گری و اثربخشی فراهم آورد. دولت در تعریف جدید با مؤلفه‌هایی مانند دموکراسی، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد شناخته می‌شود (گوئد و نوورث^۵، ۲۰۱۴: ۵۴۵). ویلیام سون اولین نظریه‌پرداز بود که در سال ۱۹۷۹ دولت موافق بازار را مطرح کرد و پس از وی بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول با تأثیرپذیری از نظریه ویلیام سون الگوی «حکمرانی خوب» را مطرح کردند که با تعامل سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی شکل می‌گیرد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱).

بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری و هر قدر این ویژگی‌ها در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۶۵).

6. Kaufmann et al. (2010)
7. Voice & Accountability
8. Political Stability
9. Government Effectiveness
10. Regulatory Quality
11. Rule of Law
12. Control of Corruption

1. Rodrik et al. (2002)
2. Acemoglu et al. (2013)
3. Ekundayo (2017)
4. Asaduzzaman & Virtanen (2016)
5. Goede & Neuwirth (2014)

تفکر حاکم این بود که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بدون دخالت دولت ممکن نیست (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

قانون واگنر نشان می‌دهد که رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین هزینه‌های عمومی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. این قانون می‌گوید که علّت از GDP به مخارج عمومی است. در مقابل، کینزیان هزینه‌های عمومی را به‌عنوان یک ابزار سیاست می‌بینند که بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارد. این دو فرضیه‌ی تجربی برای کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهای در حال توسعه آزمون شده‌اند. چو و همکاران^۶ (۲۰۰۲)، تورنتون^۷ (۱۹۹۹) و انصاری و همکاران (۱۹۹۷) شواهدی را در حمایت از قانون واگنر پیدا کرده‌اند.

با این حال، رام^۸ (۱۹۸۶)، افکسنتیو و سرلیس^۹ (۱۹۹۶) و وهاب^{۱۰} (۲۰۰۴) موفق به یافتن شواهد در حمایت از قانون واگنر نشدند. با این حال، برخی مطالعات شواهدی را در حمایت از هر دو قانون واگنر و فرضیه‌های کینزی یافتند؛ به عنوان مثال دولین و هنس^{۱۱} (۲۰۰۱) و بیزوال و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۹) شواهدی مبنی بر یک علّت دوطرفه بین تولید ناخالص داخلی واقعی و هزینه‌های عمومی واقعی پیدا کردند. همچنین جالب توجه است که تعداد زیادی از مطالعات صرفاً تلاش کرده‌اند برای آزمون قانون واگنر و فرضیه کینزی از برآورد ساده‌ی یک معادله رگرسیون که شامل تنها یک متغیر مستقل است استفاده کنند. در حالی که به‌خوبی روشن است که تعداد زیادی از عوامل بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارند و نیز هزینه‌های دولت نیز تحت تأثیر تعدادی از متغیرها قرار دارد. پس یک رگرسیون ساده که شامل تولید ناخالص ملی و هزینه‌های دولت است به‌شدت تحت تأثیر خطای مشاهدات قرار می‌گیرد (چاندرا و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۱: ۲۰۴).

۲-۱- مطالعات تجربی

جهت خلاصه‌نویسی و بیان اصل مطلب اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه مورد مطالعه در جدول زیر آورده شده است و در ادامه تفاوت مطالعه خود با این تحقیقات بیان می‌شود.

سیاست‌ها و آگاهی از کیفیت خدمات عمومی نیز در این مؤلفه قرار می‌گیرند (کتسمانگا^۱، ۲۰۱۶: ۱۳۷).

۴- کیفیت و تنظیم مقررات: این شاخص شامل آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی است که جوازها و توسعه بخش خصوصی را ارتقا می‌دهند (امیری و شاه‌آبادی، ۱۳۹۴: ۹۸).

۵- حاکمیت قانون: شامل حفاظت از حقوق مالکیت، استقلال قضایی و کنترل فساد است (گوئد و نورث، ۲۰۱۴: ۵۴۵).

۶- فساد: منظور کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است. مهم‌ترین وظیفه دولت تأمین امنیت، افزایش رفاه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی با ایجاد و بهره‌گیری از ابزارها و نهادهایی است که دولت را در تحقق این اهداف یاری می‌رساند (آکای^۲، ۲۰۰۵: ۸). نورث^۳ (۱۹۹۰)، عجم اوغلو و همکاران (۲۰۱۳)، آیر^۴ (۲۰۱۰) و کنستانتین و لیبراتی^۵ (۲۰۱۱) و دیگر محققان به شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اندازه‌گیری این عوامل پرداختند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، دخالت دولت و نقش مهم آن در اقتصاد است. دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی جامعه بازی کند. دولت، وظایف و عملکرد آن یکی از اصلی‌ترین ابزارهای قدرت و شبکه حکومتی است. از دوره کلاسیک، بحث میزان دخالت دولت و نقش صحیح آن میان اقتصاددانان و دولت‌مردان شروع شده است. تا قبل از دهه ۱۹۳۰ میلادی دو نگرش دولت حداقلی (کلاسیک) و روش حداکثری (سوسیالیست‌ها) در خصوص حضور دولت وجود داشت. ولی بعد از دهه ۱۹۳۰ نقش‌هایی همچون دولت رفاه و دولت مختلط شکل گرفتند (کتسمانگا، ۲۰۱۶: ۱۳۷). دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در رشد و پیشرفت اقتصادی ایفا کند و در عین حال با افزایش اندازه دولت، مداخلات و تصدی‌گری‌های نادرست در اقتصاد زمینه تخصیص ناکارآمد منابع عمومی جامعه فراهم و باعث کاهش رفاه می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۴). قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه نظام‌های دولت‌مدار دانست. بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰، یکی از عوامل مهم استقبال از اندیشه‌های دولت‌گرایی کینز بود. در این دوره لزوم دخالت دولت به‌عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شد و

6. Chow et al. (2002)

7. Thornton (1999)

8. Ram (1986)

9. Afxentiou & Serletis (1996)

10. Wahab (2004)

11. Devlin & Hansen (2001)

12. Biswal et al. (1999)

13. Chandran et al. (2011)

1. Katsamunsk (2016)

2. Akai (2005)

3. North (1990)

4. Iyer (2010)

5. Costantini & Liberati (2011)

جدول ۱. پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات خارجی			
نویسنده (گان) سال	موضوع	نمونه مورد بررسی و روش تحقیق	نتیجه
اسپیتری و بریگوگلیو ^۱ (۲۰۱۸)	آیا حکمرانی خوب اعتماد به دولت را تقویت می‌کند؟ یک تحلیل تجربی	۲۹ کشور اروپایی - رگرسیون معمولی	حکومت‌داری خوب یک عامل کلیدی برای اعتماد به دولت است.
اکاندیو (۲۰۱۷)	تئوری حکمرانی خوب و جستجو برای حکمرانی خوب در نیجریه	نیجریه-روش تحلیلی-توصیفی	شواهدی از حکمرانی خوب در نیجریه وجود ندارد.
موروزوی، ژوزه‌وگا ^۲ (۲۰۱۶)	مخارج عمومی و رشد: نقش مسئولیت‌پذیری دولت	۸۰ کشور منتخب-روش GMM ^۳	مسئولیت‌پذیری دولت رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی دارد
داگستینو و همکاران ^۴ (۲۰۱۶)	مخارج دولت، فساد و رشد اقتصادی	۱۰۶ کشور-روش GMM	رشد و مخارج رابطه مثبت -رشد و فساد رابطه منفی
عصاری و همکاران (۲۰۱۶)	تأثیرات منبع شاخص‌های فلاکت و حکمرانی خوب بر روی مخارج بهداشتی در دهک‌های درآمدی متفاوت و وضعیت بهداشت	کشورهای منتخب-روش PLS	تأثیر مثبت حکمرانی بر بهداشت دهک‌های پایین
ریاتی و جونیدا ^۵ (۲۰۱۶)	مخارج بهداشت عمومی، حکمرانی و بازده سلامت در مالزی	مالزی-ARDL	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
صبری ^۶ (۲۰۱۵)	حکومت‌داری خوب، نهادها و عملکرد مشارکت خصوصی دولتی	لندن- رگرسیون معمولی OLS ^۷	نهادها، حکومت‌داری خوب، کیفیت و کارایی اداری و استقلال، باعث تقویت بخش خصوصی و اثر مثبت بر رشد سرمایه‌گذاری می‌شود.
آسیموکوپولوس و کاراوویاس ^۸ (۲۰۱۵)	تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی: یک تحلیل آستانه‌ای	یونان-روش پانل غیرخطی	نامتقارن بودن اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه
گانی و اسکریمگور ^۹ (۲۰۱۵)	تجارت نیوزلند و آسیا و نقش حکمرانی خوب	نیوزلند-روش 2SLS ^{۱۰}	با بهبود شاخص‌های حکمرانی صادرات و واردات افزایش می‌یابد.
ماکوتا و اوهر ^{۱۱} (۲۰۱۵)	کیفیت حکمرانی، مخارج عمومی در بهداشت و وضعیت بهداشت در آفریقای سیاه	آفریقای سیاه-روش OLS	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
فیسا و گیل ^{۱۲} (۲۰۱۵)	بررسی مجدد رابطه بین رشد و حکمرانی در توسعه اقتصادهای اقیانوسیه و آسیا	آسیا و اقیانوسیه-روش پانل پویا	اثر مثبت حکمرانی بر رشد و توسعه
مطالعات داخلی			
شاه‌آبادی و ساری گل (۱۳۹۵)	اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای منتخب در حال توسعه	کشورهای در حال توسعه-روش پانل دیتا Panel Data	تولید ناخالص ملی و سرمایه انسانی بر سرریز دانش اثر مثبت و معنی‌داری دارند

- Spiteri & Briguglio (2018)
- Morozumi & JoséVeiga (2016)
- Generalized Method of Moments
- d'Agostino et al. (2016)
- Riayati & Junaidah (2016)
- Sabry (2015)
- Ordinary Least Squares
- Asimakopoulos & Karavias (2015)
- Gani & Scrimgeour (2015)
- Two-Stage Least Squares
- Makuta & O'Hare (2015)
- Fayissa & Gill (2015)

امیری و شاه‌آبادی (۱۳۹۴)	تأثیر نهادهای خوب بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت	کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت-روش داده‌های تابلویی Panel Data	نهادهای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توسعه کشورهای اسلامی دارد.
شاه‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۴)	تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه	کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه-روش GMM	حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر شدت تحقیق و توسعه دارد.
سپهردوست و همکاران (۱۳۹۴)	تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی	کشورهای سند چشم‌انداز ایران-روش GMM	حکمرانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد نظام مالیاتی دارد.
میرزاآقانسب گرد رودباری و تقوی (۱۳۹۳)	ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در بین کشورهای در حال توسعه	کشورهای در حال توسعه-روش داده‌های تابلویی	سرمایه اجتماعی اثری مثبت و معنادار بر حکمرانی خوب دارد.
کمیحانی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران	ایران-روش ARDL	کیفیت دولت اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد
شیروانی و رجیبی فرجاد (۱۳۹۱)	بررسی حکمرانی خوب با تأکید بر سازمانهای غیردولتی (NGO)	ایران-روش ضریب همبستگی پیرسون	حکمرانی خوب اثر مثبت و معنی‌داری بر سازمان‌های غیردولتی دارد

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعات تجربی

۳-۱- روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM):

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM یک مدل قوی است که به اطلاعات در مورد توزیع دقیق جملات خطا نیاز نیست. در این مدل علاوه بر متغیرهای اصلی، متغیرهای با وقفه نیز به‌منظور تخمین مدل بهتر و واقعی‌تر، وارد الگو می‌شوند. به‌منظور رفع همبستگی متغیر وابسته با وقفه و جمله خطا، وقفه متغیرهای توضیحی نیز به‌عنوان ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد (آرلانو و باند، ۱۹۹۱: ۲۷۷).^۲ متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده با آزمون سارگان^۳ که توسط آرلانو و باند معرفی شده است، آزمون می‌شود (فراهانی فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲).

بحث اصلی این است که می‌توان مجموعه شروط گشتاور را فرموله کرد. فرض کنید بردار پارامتر مورد نظر θ شامل P پارامتر مجهول باشد و DGP^f دارای پارامتر θ_0 است. علاوه بر این فرض کنید به ازای هر مشاهده DGP، M شرط گشتاور را تأمین کند (گرین^۵، ۱۹۵۱: ۴۸۳-۴۸۲):

$$E(g_i(\theta_0)) = 0, i = 1, 2, \dots, M$$

در حقیقت فرض بسیار مهم این است که M، DGP محدودیت را در مدل فوق به ازای مشاهده i از یک تا n تأمین کند.

همان‌گونه که در جدول (۱) بیان شده است عمده شاخص در نظر گرفته شده برای نشان دادن مخارج دولتی و نهادهای عمدتاً به‌صورت تک‌بعدی است یعنی تنها یک بعد سیاسی یا اجتماعی یا قضایی را نشان می‌دهد، در حالی که ما در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه همزمان شاخص‌های حکمرانی خوب و مخارج دولتی هستیم تا از این طریق تأثیرات کامل مخارج بر روی رشد بررسی شود. مهم‌ترین تفاوت‌های این تحقیق با سایر تحقیقات شامل: کشورهای مورد مطالعه، بازه زمانی و روش‌سنجی بکار رفته در تحقیق، بررسی تأثیر و نوع ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته، چندبعدی بودن مطالعه مورد نظر (ارتباط تمام شاخص‌های حکمرانی خوب با مخارج دولت و رشد اقتصادی) می‌باشد.

۳- روش‌شناسی

مطالعه حاضر به لحاظ ماهیت انجام کار از نوع مطالعات کاربردی است که با توجه به اینکه در سطح کشورهای منتخب و در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۲ انجام می‌گیرد در زمره مطالعات پانل دیتا خواهد بود. همچنین با توجه به هدف اصلی تحقیق حاضر که در جهت شناسایی رابطه بین شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی در سطح کشورهای منتخب هست، مطالعه در زمره تحقیقات علی-ارتباطی قرار خواهد گرفت. در ابتدا روش‌سنجی مورد استفاده تشریح می‌گردد.

1. Generalized Method of Moments
2. Arellano & Bond (1991)
3. Sargan Test
4. Data Generation Proces
5. Greene (1951)

یکی از شیوه‌های حاکم برای برآورد کمی تأثیر شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی، استفاده از تابع تولید است. این متغیر در مطالعات گوناگون با در نظر گرفتن متغیر شاخص‌های حکمرانی یا مخارج دولتی در توابع تولید بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس مطالب بیان شده در قسمت روش تحقیق و طبق برنامه توسعه سازمان ملل ابتدا متغیرها نرمال شده و سپس به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی متغیر حکمرانی برآورد شده است. لیکن در زمینه چگونگی به کارگیری متغیر شاخص‌های حکمرانی یا مخارج دولتی در تابع تولید روش مشخص و خاصی وجود ندارد. قدیمی‌ترین مطالعات در این زمینه را می‌توان در کارهای سولو^۴ (۱۹۵۶)، شولتز^۵ (۱۹۶۱)، دنیسون^۶ (۱۹۶۲)، مینسر^۷ (۱۹۵۸)، بکر^۸ (۱۹۶۴) گرلیچس و جرنسون^۹ (۱۹۶۷) یافت. جدیدترین کارها در این زمینه در آثار لوکاس^{۱۰} (۱۹۸۸) و بارو^{۱۱} (۱۹۹۱) مشاهده می‌شود. در این الگوها از اشکال گوناگون تابع کاب - داگلاس استفاده شده است.

در این تحقیق از داده‌های آماری پانل دیتا طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ برای کشورهای حوزه منا استفاده شده است. داده‌های تحقیق از گزارش‌های پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی^{۱۲} و صندوق بین‌المللی پول^{۱۳} و شاخص‌های توسعه جهانی^{۱۴} (WDI) گرفته شده‌اند. به این دلیل که شاخص‌های حکمرانی خوب از سال ۲۰۰۲ به بعد همه ساله گزارش شده‌اند، دوره زمانی تحقیق از ۲۰۰۲ به بعد انتخاب شده است. برای انجام محاسبات از نرم‌افزار Excel و Eviews9 استفاده شده است. در این مطالعه به منظور برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی در کشورهای حوزه منا طی دوره مورد بررسی از الگوهای داگستینو و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۶) استفاده شده است (داگستینو و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۹۳):

(۱)

$$\gamma_{it} = \psi_1^j X_{it}^1 + \psi_2 \gamma_{t-1} + \psi_3 \text{priv}_{inv} + \psi_4^k X_{it}^2 + TR_t + v_i + \eta_t + \mu_{it}$$

4. Solow (1956)
5. Schultz (1961)
6. Denison (1962)
7. Mincer (1958)
8. Becker (1964)
9. Griliches & Jorgenson (1967)
10. Lucas (1988)
11. Barro (1991)
12. World Bank
13. International Monetary Fund
14. World Development Indicators
15. D'agostino et al. (2016)

تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته θ به صورت جواب M معادله به دست آمده با جایگزینی میانگین جامعه E در مدل فوق با میانگین نمونه $\left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \right)$ به دست می‌آید:

$$E(g_i(\theta_0)) = 0 \rightarrow \frac{1}{n} \sum g_i(\theta_0) = 0$$

هنگام کار با متغیرهایی که دارای مقیاس‌های متفاوت هستند امکان دارد برخی از شاخص‌ها، ضرایب تخمینی را دچار انحراف کنند. برای اجتناب از این کار، در این مطالعه برای محاسبه شاخص حکمرانی به پیروی از روش برنامه توسعه سازمان ملل^۱ (۲۰۱۶) تمام متغیرها به صورت زیر نرمال گردیده است:

$$\frac{(V_i - V_{min})}{(V_{max} - V_{min})} * 10$$

در رابطه بالا V_{max} بیشترین مقدار متغیر در نمونه و V_i تغییر برای کشور و V_{min} : کمترین مقدار متغیر در نمونه است. مقادیر نرمال شده متغیرها بین 1 تا 10 بوده و اعداد بزرگ‌تر نشان دهنده وضعیت بهتر در متغیر مورد نظر است (امیری و شاه‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

۳-۲- روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۲

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روشی جهت کاهش متغیرها در شرایطی است که بین متغیرها همبستگی وجود داشته باشد. این روش بدون حذف اطلاعات اساسی، متغیرهای اصلی را به متغیرهای غیرهمبسته تبدیل و تعداد آنها را کاهش می‌دهد. این متغیرهای جدید، مؤلفه‌های اصلی نامیده می‌شوند. سپس برای ترکیب زیر شاخص‌ها به آنها وزن داده می‌شود. وزن نهایی مناسب به کار رفته به صورت نظری و تجربی اهمیت دارد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸).

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی شامل مراحل شش‌گانه زیر می‌گردد ۱- جمع‌آوری داده‌ها ۲- تنظیم داده‌ها (کم کردن داده هر دسته از میانگین آن) ۳- محاسبه ماتریس کوواریانس ۴- محاسبه مقادیر ویژه و بردارهای ویژه ماتریس کوواریانس ۵- انتخاب مؤلفه‌ها و ساختن بردار ویژگی ۶- به دست آوردن داده‌های جدید و کاهش یافته (ورمونت و مگیدسو، ۲۰۰۵: ۴۱).

۴-۱- معرفی مدل و متغیرهای استفاده شده

1. United Nations Development Program (2016)
2. Principle Components Model
3. Vermunt & Magidson (2005)

رشد تولید ناخالص داخلی سرانه^۳ (GDP growth): تولید ناخالص داخلی سرانه از تقسیم خالص ارزش افزوده تولیدکنندگان داخل یک کشور بر جمعیت سالانه حاصل می‌شود.

مخارج دولتی (G): کل هزینه‌ها شامل هزینه کل و سود خالص دارایی‌های غیرمالی است.

باز بودن تجارت (open): اصلی‌ترین معیار باز بودن، از جمع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود که به‌عنوان سهم تجارت از آن نام می‌برند.

تورم^۴ (INF): تورم به‌وسیله شاخص قیمت مصرف‌کننده اندازه‌گیری می‌شود و درصد تغییر سالانه در هزینه‌های مصرف‌کننده در سبد خرید کالا و خدمات طی فواصل مشخص شده مانند فاصله سالانه نشان داده می‌شود.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی^۵ (priv_{inv}): برای نشان دادن این متغیر از شاخص انباشت خالص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌صورت درصدی از GDP استفاده می‌شود.

سرمایه فیزیکی (K): سرمایه‌گذاری یا تشکیل سرمایه ناخالص با ارزش کل سرمایه تشکیل شده ناخالص سرمایه و تغییرات موجودی و جمع‌آوری‌ها برای یک واحد یا بخش اندازه‌گیری می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۶ (FDI): برای نشان دادن این متغیر از شاخص انباشت خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت درصدی از GDP استفاده می‌شود.

نهادهای^۷ (INS): برای نشان دادن این متغیر از شاخص حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است، استفاده می‌شود.

شاخص حکمرانی خوب^۸ (GOV): برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب، از شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی به‌صورت میانگین حسابی شش شاخص به دست می‌آید، استفاده می‌شود. این شاخص بدون مؤلفه‌ها در سایت بانک جهانی وجود ندارد و بر اساس روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی شاخص حکمرانی خوب به‌صورت میانگین شش شاخص داده شده توسط بانک جهانی محاسبه شده است. در این تحقیق خود شاخص را به سه دسته دیگر تقسیم‌بندی کردیم تا تأثیر شاخص‌های نهادی را بهتر بررسی کنیم.

الف: میانگین حسابی دو شاخص پاسخگویی و ثبات سیاسی که

$$X_{it}^1 = [G_{it}, inv_{it}, trad\ openness_{it}, inf_{it}, regulation\ quality_{it}; political\ stability_{it}; cons_{it}; Voice\ \&\ Accou_{it}; Government\ Effective_{it}; Law_{it}] \quad (2)$$

که در آن I, t نمایان‌گر هر کشور و دوره زمانی هستند و نرخ رشد لگاریتم سالانه تولید ناخالص ملی برای کشور i برای دوره زمانی t. معادله مفروض برای مدل ارزیابی این پژوهش، یک معادله پویاست. از این‌رو با توجه به پویایی مدل، اگر برای تخمین مدل از روش‌های معمولی پانل دیتا (مانند اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) استفاده شود تخمین مدل با تورش همراه خواهد بود. از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای رفع مشکل مطرح شده در فوق، استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) است.

برای فرمول‌بندی معادلات هم‌زمان از قانون واگنر استفاده می‌کنیم. در این قانون بر رشد اقتصادی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رشد مخارج عمومی تأکید می‌شود. طبق کارهای انجام شده توسط چاندرا و انور^۱ (۲۰۱۱: ۲۰۳)، پیکاک و اسکات^۲ (۲۰۰۰: ۱) مخارج دولتی تابعی از رشد اقتصادی، مخارج دولتی طی دوره‌های گذشته، میزان اشتغال، سرمایه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته می‌شود.

مدل (۱)

$$Growth_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Growth_{t-1} + \alpha_2 G_{it} + \alpha_3 k + \alpha_4 priv_{inv} + \alpha_5 (GOV)_{it} + \alpha_6 open_{it} + \mu_{it} \quad (2)$$

مدل (۲)

$$Growth_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Growth_{t-1} + \alpha_2 (G * GOV)_{it} + \alpha_3 priv_{inv} + \alpha_4 (V\ \&\ P)_{it} + \alpha_5 open_{it} + \mu_{it} \quad (3)$$

مدل (۳)

$$Growth_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Growth_{t-1} + \alpha_2 (G * GOV)_{it} + \alpha_3 priv_{inv} + \alpha_4 (E\ \&\ R)_{it} + \alpha_5 open_{it} + \mu_{it} \quad (4)$$

مدل (۴)

$$Growth_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Growth_{t-1} + \alpha_2 (G * GOV)_{it} + \alpha_3 priv_{inv} + \alpha_4 (R\ \&\ C)_{it} + \alpha_5 open_{it} + \mu_{it} \quad (5)$$

مدل (۵)

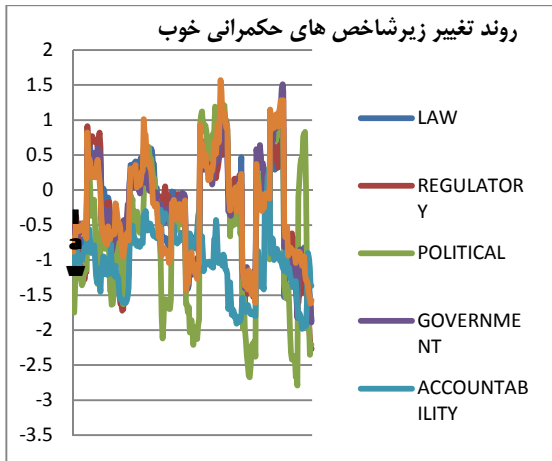
$$G_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Growth_{it} + \alpha_2 G_{(-1)it} + \alpha_3 FDI_{it} + u_t$$

توضیح متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر است:

3. Gross Domestic Production Per Capita Growth
4. Inflation
5. Private Investment
6. Foreign Direct Investment
7. Institutions
8. Good Governance

1. Chandran & Anwar (2011)
2. Peacock & Scott (2000)

قوانین و مقررات دارای میانگین پایین‌تری نسبت به بقیه شاخص‌ها هستند که این نشان دهنده درصد مشارکت مردم در انتخاب دولت، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها بوده و درصد توانایی دولت در پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب برای بخش خصوصی را اندازه‌گیری می‌کنند.



نمودار ۱. روند تغییر زیر شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای حوزه منا

در شکل (۲) بی‌ثباتی نرخ رشد GDP در کشورهای حوزه منا مشاهده می‌شود. علت بی‌ثباتی نوسانات قیمت نفت و بحران مالی به وجود آمده در سال ۲۰۰۸ است. بیشتر کشورهای حوزه منا وابسته به درآمدهای نفتی هستند و با افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۲ نرخ رشد تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و از سال ۲۰۰۸ با به وجود آمدن بحران مالی رشد تولید ناخالص ملی کاهش می‌یابد. رشد درآمد سرانه در این کشورها کمتر از رشد تولید ناخالص ملی است زیرا رشد جمعیت آنها بیشتر از رشد تولید است.



نمودار ۲. بی‌ثباتی در روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای حوزه منا

نشان دهنده نظارت، انتخاب و تعویض صاحبان قدرت است (V&P).^۱

ب: میانگین حسابی دو شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت که نشان دهنده استفاده درست از منابع و اجرای درست سیاست‌ها توسط دولت است (E&R).^۲

ج: میانگین حسابی دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد که نشان دهنده احترام دولت و مردم به نهادهایی است که روابط اقتصادی و اجتماعی آنها را اداره می‌کند (R&C).^۳

U_{it} نیز جزء اجزای مدل، i نشان دهنده کشور و t نشان دهنده دوره زمانی است. معادله به صورت لگاریتمی آورده شده است. برای برآورد تأثیر مخارج دولتی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی معادلات یاد شده برای کشورهای حوزه منا به صورت هم‌زمان برآورد شده‌اند. با برآورد این معادله مشخص شد که چند درصد از رشد اقتصادی کشور توسط مخارج دولتی و حکمرانی خوب توضیح داده می‌شود. با تغییر شاخص‌های نهادی میزان تأثیر مخارج دولتی در معادلات مختلف سنجیده شده است که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود.

۴-۲- توصیف متغیرها

برای توصیف وضعیت متغیرهای تحقیق در بازه مورد بررسی برای کشورهای حوزه منا^۴، میانگین، واریانس در جدول (۲) محاسبه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی

نام متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ثبات سیاسی	-۰/۵۲	۱/۲۲	-۲/۷۹	۱/۰۱۹
حاکمیت قانون	-۰/۲۷۸	۰/۹۶	-۱/۸۷	۰/۷۲۴
اثربخشی دولت	-۰/۲۱۸	۱/۵۱	-۱/۸۹	۰/۶۹۹
کیفیت قوانین و مقررات	-۰/۳۰۷	۱/۱۲	-۲/۲۷	۰/۷۴۹
اظهارنظر و پاسخ‌گویی	-۰/۹۷	۰/۳۳	-۱/۹۸	۰/۴۶۷
کنترل فساد	-۰/۲۶	۱/۵۷	-۱/۶۲	۰/۶۷۸
شاخص حکمرانی خوب	-۰/۴۲۸	۰/۷۲۵	-۱/۸۶	۰/۶۲۹
شاخص ترکیبی	۰/۱۴	۱/۹۸	-۲/۳۱۸	۰/۹۸۷

مأخذ: نتایج تحقیق

شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و کیفیت

1. Voice & Political
2. Effectiveness & Regulatory
3. Rule & Corruption
4. Middle East & North Africa

لگاریتم مخارج دولتی، لگاریتم تجارت بازر، لگاریتم حکمرانی خوب در سطح و با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند ایستا نیستند. فقط شاخص تورم ایستا هست. متغیرها بر اساس کلیه آماره‌های فوق با یک‌بار تفاضل گیری ایستا می‌شوند.

۴-۴- تخمین مدل

بر اساس نتایج جدول (۴) تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منافع مثبت و معنی‌دار است. در کشورهای حوزه منافع با توجه به دخالت دولت و فعالیت کمتر بخش خصوصی، دولت با افزایش مخارج خود زمینه را برای افزایش رشد اقتصادی جامعه فراهم می‌کند که این کار از طریق اجرای سیاست‌های مالی دولت اجرا می‌شود و با افزایش امکانات و زیرساخت‌ها سطح قدرت خرید مردم را افزایش داده و طبق نظریه کینز با افزایش تقاضای جامعه، زمینه برای افزایش تولید و رونق اقتصادی فراهم می‌شود. البته با توجه به اینکه سمت تولید (عرضه) در کشورهای حوزه منافع کم‌کشش می‌باشد، تأثیر افزایش مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط دولین و هانسن (۲۰۰۱) و بیزوال و همکاران (۱۹۹۹) و داگستینو و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

متغیر تولید ناخالص داخلی دوره گذشته تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. هر چه رشد تولید در دوره‌های قبل بیشتر باشد در دوره جاری برای افزایش تولید زمینه فراهم‌تر است و رشد اقتصادی با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط چاندار و همکاران (۲۰۱۱)، ریاتی و همکاران (۲۰۱۶) و موروزی و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

تأثیر شاخص‌های نهادی و تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. نهادهای خوب در یک جامعه با فراهم کردن زمینه مناسب برای همکاری مردم در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ایجاد یک دولت مقتدر و پاسخگو، زمینه را برای رشد اقتصادی بیشتر فراهم می‌آورد. از طرفی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیاز به یک محیط امن و بدون خشونت است تا با کاهش ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری زمینه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر فراهم آورد و با شفاف‌سازی حقوق مالکیت انگیزه برای کار و فعالیت بیشتر شود که این کارها با شاخص‌های نهادی مناسب اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر، دولت با کنترل فساد و نظارت کافی باعث افزایش بازدهی بخش

۴-۳- آزمون ریشه واحد در داده‌های پانلی

اغلب مدل‌های اقتصادسنجی که در دهه‌های قبل مورد استفاده قرار می‌گرفت بر فرض ایستایی سری‌های زمانی استوار بود. بعدها که نایستایی بیشتر سری‌های زمانی آشکار شد، به‌کارگیری متغیرها منوط به انجام آزمون‌های ایستایی مربوطه گردید. چنانچه متغیرها ایستا باشند تخمین‌های حاصل مشکل رگرسیون ساختگی را نخواهند داشت، اما چنانچه متغیرها ایستا نباشند می‌بایست رابطه هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را بررسی نماییم.

لوین، لین و چو^۱ (۲۰۰۲) نشان دادند که در داده‌های پانلی استفاده از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده‌ها دارای قدرت و اعتبار بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به‌صورت جداگانه است. در آماره آزمون‌های لوین، لین و چو؛ ایم، پسران و شین و فیشر فرض صفر مبنی بر نایستایی است. طبق آزمون‌های سارگان، آرلانو و باند و آزمون هاسمن که در جداول ۵ و ۶ آمده است از روش پانل دیتا با اثر تصادفی استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی با در نظر گرفتن

عرض از مبدأ و روند

نام متغیر	LLC	IPS	ADf-fisherChi-square	نتیجه آزمون
LGDP	-۲/۵۸۸۷ (/۰/۰۰۴۸)	۳/۶۲۳۴ (/۰/۰۰۰۱)	۶۴/۳۱۵۱ (/۰/۰۰۱۳)	پایا در سطح I(1)
LK	-۴/۲۲۷۰ (/۰/۰۰۰۰)	-۵/۲۰۵۴ (/۰/۰۰۰۰)	۸۵/۴۵۴۳ (/۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(1)
LG	-۲/۱۳۲۷ (/۰/۰۱۶۵)	-۳/۶۳۰۳ (/۰/۰۰۰۱)	۶۳/۹۹۳۸ (/۰/۰۰۱۴)	پایا در سطح I(1)
LOPEN	-۷/۷۸۵۷ (/۰/۰۰۰۰)	-۷/۷۰۸۶ (/۰/۰۰۰۰)	۱۲۵/۳۶۶ (/۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(1)
LINF	-۹/۷۰۹۳ (/۰/۰۰۰۰)	-۷/۰۷۸۹ (/۰/۰۰۰۰)	۱۰۸/۵۲۴ (/۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(0)
LGOV	-۳/۱۸۹۷۹ (/۰/۰۰۰۰)	-۶/۵۸۲۰ (/۰/۰۰۰۰)	۱۰۷/۹۴۴ (/۰/۰۰۰۰)	پایا در سطح I(1)

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه، با استفاده از آماره آزمون‌های LLC، IPS و ADF-fisherChi-square به بررسی ایستایی متغیرها می‌پردازیم که نتایج آماره این آزمون‌ها در جداول آمده است. با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، لگاریتم موجودی سرمایه و

1. Levin, Lin & Chu (2002)
2. Im, Pesaran & ShinWstat

همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. در کشورهای حوزه منا با توجه به ناامنی‌های موجود در حوزه خاورمیانه و افزایش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌تواند با فراهم کردن زمینه و امکانات برای فعالیت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و بسترسازی توسعه مفید باشد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط امیری و همکاران (۱۳۹۴) و داگستینو و همکاران (۲۰۱۶) از لحاظ رابطه مثبت مطابقت دارد.

دولتی و جلوگیری از اتلاف منابع می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط بیچا و فهر گیل (۲۰۱۵)، امیری و همکاران (۲۰۱۶) و سپهر دوست و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

متغیر انباشت سرمایه فیزیکی (K) تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا دارد. زیرا از طریق سرمایه‌گذاری و مهیا نمودن زیرساخت‌ها و ارائه امکانات لازم برای بسط فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود و فعالیت‌های جدید در زمینه‌های مهم برای جامعه می‌تواند بسترساز توسعه گردد. این نتیجه با کارهای اسپیتیری و همکاران (۲۰۱۸)، اکاندیو و همکاران (۲۰۱۷) و موروزی و

جدول ۴. تخمین الگوهای رشد با مخارج دولتی و شاخص‌های نهادی

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵ (معادله مخارج)
تولید ناخالص داخلی GDP					۰/۵۰۱ (۰/۰۰۰)
تولید ناخالص داخلی با وقفه GDP(-1)	۰/۲۶۱ (۰/۰۰۰)	۰/۲۷۱ (۰/۰۰۲)	۰/۲۲۶ (۰/۰۰۰)	۰/۲۳۲ (۰/۰۰۰)	
مخارج دولتی G	۰/۲۶۲ (۰/۰۰۰۱)				
مخارج دولتی با وقفه G(-1)					۰/۳۰۹ (۰/۰۰۰)
انباشت سرمایه فیزیکی K	۰/۲۴۴ (۰/۰۰۰)				
تورم INF	-۰/۰۳۳ (۰/۰۰۵۸)	-۰/۰۰۲ (۰/۰۳۱۳)	-۰/۰۰۳۳ (۰/۰۱۸)	-۰/۰۰۲ (۰/۰۵۰۳)	
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی priv _{inv}	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲۸)	۰/۰۰۶ (۰/۰۰۰۹)	-۰/۰۰۱۷ (۰/۰۰۲۱)	۰/۰۰۱۱ (۰/۰۰۰۲)	
حکمرانی خوب GOV	۰/۲۰۷ (۰/۰۰۰)				
باز بودن تجارت OPEN	۰/۴۴۱ (۰/۰۰۰)	۰/۳۶۹ (۰/۰۰۵۹)	۰/۲۸۱ (۰/۰۰۰)	۰/۳۲۲ (۰/۰۰۰)	
G*GOV		۰/۳۸۷ (۰/۰۰۲۵)	۰/۴۵۱ (۰/۰۰۰)	۰/۴۲۴ (۰/۰۰۰)	
V&P		۰/۱۹۷ (۰/۰۱۴)			
E&R			۰/۱۳۷ (۰/۰۰۴۸)		
R&C				۰/۲۴۹ (۰/۰۰۲۲)	
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI					-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۰۲)

مأخذ: نتایج تحقیق

ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد. فرضیه صفر برای این آزمون این است که ابزارها تا آنجا معتبر هستند که با خطاها در معادله تفاضلی مرتبه اول همبسته نباشند. عدم رد فرضیه صفر می‌تواند شواهدی دال بر مناسب بودن ابزارها فراهم آورد.

چون احتمال آن بالای ۵ درصد است بنابراین فرضیه صفر مربوط به معتبر بودن ابزارها را نمی‌توان رد کرد. برای برآورد اینکه آیا روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM برای تخمین مدل یادشده، روش درستی است یا نه؟ از آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون سارگان

مقدار χ^2 (J-Statistic)	ارزش احتمال (P-Value)
۱۱/۴۵۸۲۴	۰/۴۹۰۱۰۹

مأخذ: نتایج تحقیق

۴-۲- نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند

این آزمونی است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر در این آزمون شواهدی دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. به عبارتی تخمین زنده GMM در صورتی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند

آزمون	مرتب	مقدار آماره t	ارزش احتمال (P-Value)
آرلانو و باند	AR(1)	-۷/۷۸۲۲۲۶	۰/۰۳۳۴
آرلانو و باند	AR(2)	۱/۷۱۵۴۴۹	۰/۲۰۱۶

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج آزمون آرلانو و باند که در جدول شماره (۶) آمده، همبستگی بین جملات اختلال از مرتبه اول بوده و همبستگی از مرتبه دوم ندارند. پس روش گشتاور GMM روش مناسبی برای برآورد مدل هست.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بحث حکمرانی خوب و مخارج دولتی و تأثیر آنها بر رشد

تأثیر متغیر باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. باز بودن تجارت از طریق افزایش جریان ورود و خروج سرمایه و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، فناوری و مدیریت می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی شود. این کار از طریق انتقال فناوری و تقویت بهره‌وری سرمایه انسانی و تقسیم‌کار بین‌المللی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط عصار و همکاران (۲۰۱۶) و داگستینو و همکاران همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مخارج دولتی منفی و معنی‌دار است. نقش دولت و متغیرهای نهادی در چگونگی جذب و هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مهم است. در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین سرمایه‌های داخلی شود، شاهد تأثیر منفی آن خواهیم بود. در کشورهای حوزه منا با توجه به تک‌قطبی بودن (وابستگی شدید نفتی) سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث وابستگی شدید و افزایش ضعف بخش داخلی شده است.

متغیر دیگری که تأثیر آن بر رشد اقتصادی در جدول (۴) نشان داده شده است، تورم است که تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا دارد. با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید واقعی جامعه و تأثیر آن بر تقاضا، تولید کاهش یافته و باعث رشد منفی تولید می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط عصار و همکاران (۲۰۱۶) و فراهانی فر و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

در جدول (۴) همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به مدل ارائه شده تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب به‌عنوان متغیرهای نهادی با مخارج دولتی به سه گروه تقسیم شده و تأثیر هم‌زمان آنها به صورت زوج‌های دوتایی با مخارج دولتی را آورده شده است. در هر سه مدل تأثیر شاخص‌های دوتایی باعث افزایش تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی می‌شود. پس از آمدن تخمین نوبت به آزمون‌های خاص در داده‌های GMM است.

۴-۴-۱- نتایج آزمون سارگان^۱

آزمون سارگان (۱۹۵۸) از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است و برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به‌کار برده می‌شود. برای اینکه ابزارها معتبر باشند، باید بین

1. Sargan

معنادار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است.

با توجه به نتایج پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه شاخص حکمرانی خوب دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است و میانگین این شاخص‌ها در کشورهای حوزه منا پایین‌تر از کشورهای پیشرفته است، توصیه می‌گردد زمینه لازم برای تقویت و بهبود این شاخص‌های نهادی فراهم شود.

- با توجه به تأثیر مثبت هم‌زمان شاخص حکمرانی خوب و مخارج دولتی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در زمینه مخارج دولتی و اجزای آن طوری باشد که موجب تقویت شاخص نهادی شود تا زمینه عدالت و برابری فراهم آید.

- با توجه به تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی توصیه می‌شود دولت‌ها به گونه‌ای عمل کنند که بخش خصوصی فعال گردد تا زمینه افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل تولید فراهم شود و بخش خصوصی به‌عنوان مکمل بخش دولتی باعث افزایش تولید و بهبود کارایی مخارج دولتی شود.

اقتصادی یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان است. به همین منظور در این تحقیق تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و مخارج دولتی به‌صورت هم‌زمان بر رشد اقتصادی برای کشورهای حوزه منای دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ بررسی شده است. برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب از تعریف بانک جهانی استفاده شده است. متغیر مخارج دولتی و اجزای آن از اطلاعات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که تأثیر هم‌زمان شاخص حکمرانی و مخارج دولتی بیشتر از زمانی است که هر کدام از این شاخص‌ها به‌تنهایی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین تأثیر دوتایی زیرشاخص‌های حکمرانی (به‌عنوان شاخص نهادی) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی است. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است و همچنین تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی مثبت و

منابع

- اسدی، منیژه؛ نیکوقدم، مسعود و هراتی، جواد (۱۳۹۶). "ارتباط متقابل مخارج بهداشتی دولت و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب حوزه منا: رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان". *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*، دوره ۸، شماره ۲۱، ۸۷-۵۵.
- امیری، بهزاد و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۴). "تأثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت". *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، دوره ۲، شماره ۳، ۱۱۸-۹۳.
- بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ صفری، سعید؛ مرشدی‌زاد، علی و پولادری، عبدالمجید (۱۳۹۱). "شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب". *مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی*، شماره ۳، ۸۶-۶۵.
- حیدری، حسن؛ پروین، سهیلا و فاضلی، محمد (۱۳۸۹). "رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس". *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۷، شماره ۳، ۶۶-۴۳.
- سپهردوست، حمید؛ رجبی، فهیمه و باروتی، مهسا (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی". *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، دوره ۸، شماره ۲، ۱۰۳-۱۲۶.
- شاکری، محبوبه؛ جعفری صمیمی، احمد و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۴). "ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۰۶-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و ساری گل، سارا (۱۳۹۵). "اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای در حال توسعه منتخب". *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۷۸، ۱۲۳-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و سلیمی، صبا (۱۳۹۴). "تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه". *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری*، دوره ۷، شماره ۲، ۴۶-۳۵.
- شیروانی، علیرضا و رجبی فرجاد، حاجیه (۱۳۹۱). "حکمرانی خوب با تأکید بر سازمان‌های غیردولتی (NGO)".

- "بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران به روش هم‌جمعی ARDL". *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، شماره ۴، ۶۰-۴۹.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). "مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب". *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۲، ۲۶۱-۲۸۷.
- میرزا آقانسب گردودبباری، ایمان و تقوی، مهدی (۱۳۹۳). "سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب؛ مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه". *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۴-۱.
- فصلنامه رسالت مدیریتی، دوره ۲، شماره ۳، ۳۷-۲۹.
- صامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت (۱۳۹۰). "تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، شماره ۴، ۲۲۳-۱۸۳.
- فراهانی‌فر، سعید؛ فشاری، مجید و خانزاده، یاور (۱۳۹۴). "تأثیر مؤسسات بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (روش گشتاور تعمیم‌یافته GMM)". *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳، ۴۱-۲۱.
- کمیحانی، اکبر؛ هژبرکیانی، کامبیز و حق‌شناس، هادی (۱۳۹۳). 1-8.
- Assari, A., Sahabi, B., Mozayyeni, A. H. & Rasouli, A. (2016). "The Effects of the Resource Curse Indices and Good Governance on Health Expenditures in Different Income Deciles". *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(4), 203-213.
- Barro, R. J. (1991). "Economic Growth in a Cross Section of Countries". *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
- Becker, G. S. (1964). "Human Capital". New York: *Columbia University Press*.
- Biswal, B., Dhawan, U. & Hooi, Y. L. (1999). "Testing Wagner Versus Keynes Using Disaggregated Public Expenditure Data for Canada". *Applied Economics*, 31(10), 1283-1291.
- Chandran Govindaraju, V. G. R. & Anwar, R. R. S. (2011). "Economic Growth and Government Spending in Malaysia: a Re-Examination of Wagner and Keynesian Views". *Economic Change and Restructuring*, 44, 203-219.
- Chow, Y. F., Cotsomitist, J. A. & Kwan, A. C. C. (2002). "Multivariate Cointegration and Causality Tests of Wagner's Hypothesis: Evidence from the UK". *Applied Economics*, 34(13), 1671-1677.
- Costantini, V. & Liberati, P. (2011). "Technology Transfer, Institutions and Development". *University Degli Studi, Dipartimen to Di Economia, Working Paper*, No 135.
- Acemoglu, D., Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J. A. (2013). "State Capacity and Development; A Network Approach". *NBER, Working Paper*, No. 19813.
- Afxentiou, P. C. & Serletis, A. (1996). "Government Expenditure in the European Union: do They Converge or Follow Wagner's Law". *International Economic Journal*, 10, 33-47.
- Akai, N. (2005). "Short-Run and Long-Run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States". *The Paper Presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association (at Kyōto Sangyō University, 4-5 June 2005)*.
- Ansari, M. I., Gordon, D. V. & Akuamoah, C. (1997). "Keynes Versus Wagner: Public Expenditure and National Income for Three African Countries". *Applied Economics*, 29(4), 543-550.
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *The Review of Economic Studies*, 58(2), 277-297.
- Asaduzzaman1, M. & Virtanen, P. (2016). "Governance Theories and Models". <https://www.researchgate.net/publication/308911311>.
- Asimakopoulous, S. & Karavias, Y. (2015). "The Impact of Government Size on Economic Growth: A Threshold Analysis". *Granger Centre Discussion Paper*, 15(2),

- D'agostino, G., Dunne, J. P. & Pieroni, L. (2016). "Government Spending, Corruption and Economic Growth". *World Development*, 84, 190-205.
- Denison, E. F. (1962). "The Sources of Economic Growth in the United States and the Alternatives before Us. Committee for Economic Development, New York". *The Journal of Economic History*, 3(23), 352-352.
- Devlin, N. & Hansen, P. (2001). "Health Care Spending and Economic Output: Granger Causality". *Applied Economics Letters*, 8(8), 561-564.
- Ekundayo, W. J. (2017). "Good Governance Theory and the Quest for Good Governance in Nigeria". *International Journal of Humanities and Social Science*, (7)5, 154-161.
- Fayissa, B. & Gill, F. (2015). "Revisiting the Growth-Governance Relationship in Developing Asian and Oceanic Economies". *Journal of Economics and Finance*, 10(4), 803-816.
- Gani, A. & Scrimgeour, F. (2015). "New Zealand's Trade with Asia and the Role of Good Governance". *International Review of Economics and Finance*, 46, 36-52.
- Goede, M. & Neuwirth, R. J. (2014). "Good Governance and Confidentiality: A Matter of the Preservation of the Public Sphere". *Corporate Governance*, (14)4, 543-554.
- Greene, W. H. (1951). "Econometric Analysis". William H. Greene 7th ed. *New York University*.
- Griliches, Z. & Jorgenson, D. W. (1967). "The Explanation of Productivity Change". *Review of Economic Studies*, 34 (3), 249-283.
- Gurgul, H. & Lach, L. (2012). "Political Instability and Economic Growth: Evidence from Two Decades of Transition in CEE". *MPRA, Working Paper No. 37792*.
- Hopper, T. (2017). "Neopatrimonialism, Good Governance, Corruption and Accounting in Africa: Idealism Versus Pragmatism". *Journal of Accounting in Emerging Economies*, (7)2, 225-248.
- Innocent, M. & Bernadette, O. (2015). "Quality of Governance, Public Spending on Health and Health Status in Sub Saharan Africa: A Panel Data Regression Analysis". *BMC Public Health*, 15, 19-32.
- Iyer, L. (2010). "Direct Versus Indirect Colonial Rule in India: Long-Term Consequences". *Journal of Review of Economics and Statistics*, 92(4), 693-713.
- Katsamunskaya, P. (2016). "The Concept of Governance and Public Governance Theories". *Economic Alternatives*, 2, 133-141.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). "Governance Matters: The Worldwide Governance Indicators, Aggregate Indicators of Governance 1996-2010". URL: <http://www.govindicators.org>.
- Levin, A., Lin, C. & James Chu, C. (2002). "Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties". *Journal of Econometrics, Elsevier*, 108(1), 1-24.
- Lucas, R. E. (1988). "On the Mechanics of Economic Development". *Journal of Monetary Economics*, 22, 3-42.
- Makuta, I. & Ohare, B. (2015). "Quality of Governance, Public Spending on Health and Health Status in Sub Saharan Africa: A Panel Data Regression Analysis". *BMC Public Health*, 15, 9-32.
- Meon, P. G. & Weill, L. (2010). "Is Corruption an Efficient Grease". *World Development*, 38(3), 244-259.
- Miller, T., Holmes, K. R. & Feulner, E. J. (2017). "Index of Economic Freedom". *The Heritage Foundation in Partnership with The Wall Street*.
- Mincer, J. (1958). "Investment in Human Capital and the Personal Income Distribution". *Journal of Political Economy*, 66(4), 281-302.
- Morozumi, A. & JoséVeiga, F. (2016).

- “Public Spending and Growth: The Role of Government Accountability”. *European Economic Review*, 89, 148–171.
- North, D. C. (1990). “Institutions, Institutional Change and Economic Performance”. *New York: Cambridge University Press*.
- Peacock, A. & Scott, A. (2000). “The Curious Attraction of Wagner’s law”. *Public Choice*, 102(1/2), 1–17.
- Ram, R. (1986). “Causality between Income and Government Expenditure: A Broad International Perspective”. *Public Financ*, 41, 393–414.
- Riayati, A. & Junaidah, H. (2016). “Public Health Expenditure, Governance and Health Outcomes in Malaysia (Perbelanjaan Awam, Urus Tadbir dan Natijah Kesihatan di Malaysia)”. *Jurnal Ekonomi Malaysia*, 50(1), 29-40.
- Rodrik, D., Subramanian, A. & Trebbi, F. (2002). “Institutions Rule: the Primacy of Institutions Geography and Integration in Economic Development”. *NBER, Working Paper No. 9305*
- Sabry, M. I. (2015). “Good Governance, Institutions and Performance of Public Private Partnerships”. *International Journal of Public Sector Management*, (28)7, 566–582.
- Schultz, T. W. (1961). “Investment in Human Capital”. *The American Economic Review*, 51, 1-17.
- Silberberger, M. (2015). “Regulation, Trade and Economic Growth”. *Center for European Governance and Economic Development, Discussion Paper No. 255*.
- Solow, R. M. (1956). “A Contribution to Theory of Economic Growth”. *The Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65-94.
- Spiteri, J. & Briguglio, M. (2018). “Does Good Governance Foster Trust in Government? an Empirical Analysis in Governance and Regulations”. *Contemporary Issues*. Published online, 12, 121-137.
- Thornton, J. (1999). “Cointegration, Causality and Wagner’s Law in 19th Century Europe”. *Applied Economics Letters*, 6(7), 413–416.
- Tridico, P. (2013). “The Stage of Development among Former Communist Economies: Social Capital, The Middle Class and Democracy”. *Journal of Socio-Economics*, 44, 47-58.
- United Nations Development Program (2016). “Human Development Report 2016”. Available at the <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-report-2016>.
- Vermunt, J. K. & Magidson, J. (2005). “Factor Analysis with Categorical Indicators: A Comparison between Traditional and Latent Class Approaches”. in A. Van der Ark, M.A. Croon and K. Sijtsma (eds.), *New Developments in Categorical Data Analysis for the Social and Behavioral Sciences*, 41-62. *Mahwah: Erlbaum*.
- Wahab, M. (2004). “Economic Growth and Government Expenditure: Evidence from a New Test Specification”. *Applied Economics*, (36)2, 2125–2135.
- World Bank (2016). <http://data.worldbank.org>.